فوتبال
پرونده
بررسی علل بالا رفتن رقم قراردادهای فوتبال

گفت‌وگو

بررسی علل بالا رفتن رقم قراردادهای فوتبال در گفت‌وگوی «جوان» با مسعود رضائیان، مدیرعامل سابق فولاد و ملوان

جاه‌طلبی و نتیجه‌گرایی مدیران، عامل اصلی این بلبشو است

■ شیوا نوروزی

۱ شروع فصل نقل‌وانتقالات در فوتبال ایران یعنی سیر صعودی دستمزدها. منتها امسال فاکتورهایی از جمله افزایش نرخ ارز، تورم و ممنوعیت استفاده از خارجی‌ها، شیب افزایش رقم قراردادها را تندتر از گذشته کرده است. مسعود رضاییان، مدیرعامل اسبق باشگاه‌های فولاد، ملوان و نفت مسجد سلیمان و معاون ورزشی فعلی صنعت نفت آبادان در گفت‌وگو با «جوان» مدیران باشگاه‌ها را عامل اصلی این موضوع خواند.

علت افزایش بی‌رویه رقم قرارداد فوتبالیست‌های داخلی چیست؟

یک علت این است که برخی باشگاه‌ها مشکل مالی ندارند و تمام تلاششان را می‌کنند تا تیم خوبی ببندند. در واقع داستان افزایش دستمزدها از همین‌جا شروع می‌شود. البته تعداد آنها بیش از چهار باشگاه نیست، ولی همین تعداد کم نیز روی کل لیگ تأثیر می‌گذارند. حتی باشگاه‌هایی که اوضاع مالی خوبی ندارند، نیز تحت‌تأثیر این مسئله قرار می‌گیرند. همان سه، چهار باشگاهی که بودجه نامحدود دارند، استخدام بهترین مربیان و بازیکنان لیگ اولویت اولشان است. البته از همان سه، چهار تیم همه انتظار قهرمانی دارند و حتی نایب‌قهرمانی برایشان شکست محسوب می‌شود. از آنجایی که خودشان پول قراردادها را نمی‌دهند، هر کاری می‌کنند که فلان بازیکن و مربی را به هر قیمتی بگیرند. آن وقت بقیه بازیکنان هم تصور می‌کنند، میلیاردی می‌ارزند. به‌عنوان مثال بازیکنی که قرارداد ۵۰۰ میلیونی داشته اگر دستمزدش را دو برابر هم کند، می‌شود یک میلیارد، نباید بشود ۴ یا ۵ میلیارد! خب این مسئله قطعاً به ضرر بازیکن که نیست و آنها این افزایش بی‌رویه را دوست دارند.

چه عواملی باعث می‌شود باشگاه‌ها زیربار پرداخت دستمزدهای نجومی بروند؟

ضرر اصلی برای مدیرعامل است؛ درست است که آنها این ارقام را از جیب دولت پرداخت می‌کنند، اما به هر حال همه آنها را مقصر نجومی شدن دستمزدها و بی‌سروسامانی فوتبال می‌دانند. جاه‌طلبی، قهرمان‌خواهی و تحت‌تأثیر هواداران قرار گرفتن مدیران، عامل اصلی این شرایط است. دود مدیریت سه، چهار نفر به چشم بقیه می‌رود؛ چراکه برخی باشگاه‌ها اصلاً چنین بودجه‌ای ندارند. سال گذشته داشتیم باشگاه‌هایی که هزینه بالایی کردند، ولی در نهایت تا پای سقوط پیش رفتند. در صورتی که تیم‌هایی با هزینه ۱۰ میلیاردی در میانه جدول بودند. پول بیشتر، ضامن کسب امتیاز بیشتر نیست. اگر در کار باشگاه‌ها اعتدال وجود داشت، به عقیده من رقم قراردادها نباید از مرز ۳۰۰ - ۲۰۰ میلیون تومان عبور می‌کرد.

در این آشفته بازار نقل و انتقالات مدیران چگونه باید خواسته‌های عجیب و غریب بازیکنان و مربیان را مدیریت کنند؟

یک دسته مدیر دولتی هستند که پول قراردادها را خودشان نمی‌دهند. سازمان متبوعه باید آنها را کنترل کند، البته سازمان‌های متبوعه این مدیران نیز شاید از شرایط راضی باشند، ولی سازمان‌های بازرسی باید این موارد را بررسی کنند. از آنها بپرسند با چه افزایش درآمدی دستمزدهای بازیکنان را چند برابر کرده‌اید. یک دسته هم مدیر بخش خصوصی پولدار هستند؛ آنها هم می‌گویند پول خودمان است. در صورتی که در دنیا اینگونه نیست. مالک متمول منچسترسیتی نمی‌تواند غیرمنطقی خرج کند. مگر باشگاه‌های ما چه درآمدی دارند که ۱۰۰ میلیارد خرج می‌کنند؟ فیرپلی مالی (Financial Fair Play) قانونی است که فیفا در نظر گرفته و متأسفانه در فوتبال ما نادیده گرفته شده است. در این قانون باشگاه‌ها باید به اندازه درآمدشان خرج کنند. خیلی‌ها می‌گویند قیمت دلار بالا رفته و در خارج از کشور دستمزد خوبی می‌دهند. خب اگر اینگونه است، بروید خارج بازی کنید. فلان بازیکن مدعی است اگر در خارج بازی می‌کرد ۵۰۰ هزار دلار دستمزد می‌گرفت و این رقم را به تومان حساب می‌کند و می‌گوید دستمزدم ۱۴ میلیارد تومان است! عجیب‌تر اینکه بعضی‌ها هم زیربار این قرارداد می‌روند. اختیار امضا کردن قراردادهای نجومی در ید مدیران باشگاه‌هاست. اگر یک نه بگویند و امضا نکنند چه اتفاقی می‌افتد؟ یه کمی با این درخواست‌ها مقابله کنید و باور کنید رقم‌ها به شدت سقوط خواهند کرد. کافی است آن مدیر یک لحظه با خودش فکر کند با این پول‌ها چه کارهایی می‌تواند انجام دهد. مثلاً زمینی خریداری شود و برای نسل‌های بعد هم به یادگار بماند. باشگاه‌های پولدار تصمیم بگیرند بخش اعظم بودجه خود را صرف زیرساخت‌ها کنند. البته یک ایراد هم به رسانه‌ها وارد است؛ در رسانه‌ها مدیری که بازیکنان گران و درشت را خریده مدیر موفق نامیده می‌شود و سایر مدیران ناتوان و بی‌عرضه جلوه داده می‌شوند. با این مطالب آنها را برای گرفتن بازیکن به هر قیمتی تحریک می‌کنیم.

غیر از باشگاه‌های سرمایه‌دار، باشگاه‌های بدهکاری چون پرسپولیس و استقلال هم به ریخت و پاش‌هایشان ادامه می‌دهند.

مدیر باشگاه بعد از خرج‌های آنچنانی با خودش می‌گوید در این یک سال که هستیم، بگذارید امسال نتیجه بگیریم و مدیر بعدی باید جوابگوی شکایت‌ها باشد. آقایان صراحتاً می‌گویند با وجود داشتن بدهی‌های سنگین برای باشگاه جام آوردیم. در صورتی که جام آوردن به هر شکلی منصفانه نیست. نمی‌توان یک عده‌ای را برای آینده بدهکار کرد تا جام گرفت.

وزارت ورزش، فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ چه وظیفه‌ای در جلوگیری از افزایش دستمزد فوتبالیست‌ها دارند؟

فیفا این موارد را پیش‌بینی کرده است. ما از صفر تا صد فوتبالمان را از روی دست فیفا می‌نویسیم که البته کار درستی است، باید فیرپلی مالی را نیز رعایت کنیم. حتی اگر حق پخش تلویزیونی هم پرداخت می‌شد، شاید هر باشگاه ۳۰ - ۲۰ میلیارد درآمد کسب می‌کرد. خب شما هم به اندازه همین مبلغ خرج کنید. هیچ وقت دخل و خرج باشگاه‌ها تعادل نداشته است. در صورت عدم رعایت فیرپلی مالی فیفا جرایم سنگینی را در نظر می‌گیرد.

فدراسیون فوتبال با چالش‌های بزرگی روبه‌رو است. آیا این فدراسیون توانایی اجرای قانون فیفا را دارد؟

شاید خیلی‌ها بگویند فدراسیون به خاطر گرفتاری‌هایش نمی‌تواند به این مسال رسیدگی کند. در صورتی که اینگونه نیست. مگر قرار است همه کارها را یک نفر انجام دهد. در دل فدراسیون یک کمیته‌ای داریم که مسئول صدور پروانه حرفه‌ای باشگاه‌هاست. این کمیته بدون اینکه در سایر بخش‌های فدراسیون چه می‌گذرد، کار خود را انجام می‌دهد و می‌تواند بحث فیرپلی مالی باشگاه‌ها را نیز همچون ملاک‌های دیگری از جمله داشتن تیم‌های پایه، استادیوم استاندارد و نداشتن بدهی مدنظر قرار دهد. آن وقت مدیران نمی‌توانند بگویند پول خودمان است و هر جور بخواهیم خرج می‌کنیم.

مذاکره با گزینه‌های مدنظر در هتل‌های لوکس چه تأثیری بر افزایش دلالی‌ها و دستمزدها می‌گذارد؟

در ارقام تأثیری نمی‌گذارد؛ چراکه برای بازیکن، مدیر برنامه و مدیرعامل فرقی نمی‌کند قرارداد نجومی در کجا بسته شود. منتها مذاکره در هتل ابهت باشگاه‌ها را زیر سؤال می‌برد! بازیکن وقتی برای مذاکره به ساختمان باشگاه برود و نظم انضباط‌شان را ببیند حساب کار دستش می‌آید، ولی هتل یعنی هر جور می‌خواهی بیا و برو. نمی‌دانم این رسم را چه کسی باب کرده است. بازیکن باید در شهر و باشگاه موردنظر حاضر شود و شرایط را از نزدیک ارزیابی کند. در تهران قرارداد می‌بندد، بعد به جنوب می‌رود و می‌گوید هوا خیلی گرم‌تر از تصورات من است! بستن قرارداد در هتل یعنی باشگاه می‌ترسد گزینه موردنظر با دیدن واقعیت‌ها در باشگاه منصرف شود.

ممنوعیت جذب مربی و بازیکن خارجی مخالفان زیادی دارد و آن را یکی از عوامل بالا رفتن قیمت‌ها می‌دانند. با این انتقاد موافق هستید؟

نه، موافق نیستم. این موضوع را شنیده‌ام، ولی در فصل پیش کلا چند بازیکن خارجی در لیگ‌مان حضور داشتند؟ تعدادشان کم بود و از بین آنها بازیکن خوب واقعاً انگشت شمار بود. خارجی که کیفیت لیگ یک را ندارد، سر از لیگ برتر درمی‌آورد. باید این واقعیت را بپذیریم بازیکن باکیفیتی که به درد لیگ برتر ما بخورد دستمزدش کمتر ۳- ۲ میلیون دلار نیست. در صورتی که تیم‌ها بازیکن ۱۵۰ هزار دلاری می‌آورند و قطعاً از نظر کیفیت نمره بسیار پایینی می‌گیرد. حالا که نمی‌توانیم این بازیکنان بی‌کیفیت را بیاوریم، باید دستمزد همه بازیکنان داخلی چند برابر شود؟ ۱۶ تیم لیگ برتری و حداقل ۵۰۰ بازیکن داخلی داریم. به خاطر ۵-۴ بازیکن خارجی که نیستند قیمت ۴۹۵ بازیکن داخلی چهار پنج برابر شود؟ اصلاً منطقی نیست. این بازیکنان خارجی به دردمان نمی‌خورند و نباید هم به لیگ کشورمان بیایند، ولی این دلیل نمی‌شود که فوتبالیست‌ها داخلی بگویند حالا ما جای آن خارجی‌ها هستیم.

گزارش

نگاهی به افزایش ۱۰۰ برابری قرارداد فوتبالیست‌ها در ۲۰ سال اخیر

مدیران فوتبال دولتی از کیسه خلیفه می‌بخشند

■ سعید احمدیان

۲ تا یک سال پیش صحبت از قرارداد ۱۵میلیاردی فوتبالیست‌ها تنها یک شوخی بود، اگر بحث آن پیش می‌آمد، تصور می‌شد که یک سنگ بزرگ است که بازیکن جلوی پای باشگاه انداخته تا هر طور شده با توجه به پیشنهادهای دیگری که دارد، از تیمی که در آن است، جدا شود و پاپیچش نشوند. نمی‌خواهد به گذشته خیلی دور برگردیم؛ همین فصل پیش قرارداد تاپ‌ترین فوتبالیست در لیگ ایران ۳ تا ۴ میلیارد بود که تعداد کمی از بازیکنان لیگ برتری بودند که چنین پولی را دریافت می‌کردند و لقب گران‌ترین گرفته بودند. اما با شروع فصل جدید نقل و انتقالات، قرارداد ۱۵میلیاردی فوتبالیست‌ها نه تنها یک شوخی نیست، بلکه واقعیتی است که خیلی‌ها را شوکه کرده و رقم‌ها فراتر هم رفته و گفته می‌شود یک مربی که در سال‌های اخیر با وجود دریافت بیشترین دستمزدها ناکام بوده است، با یکی از تیم‌های متمول لیگ برتری قرارداد سه ساله‌ای به مبلغ ۵۰ میلیارد امضا کرده است و بی‌کیفیت‌ترین فوتبالیست ایرانی هم امروز پیشنهادی زیر یک میلیارد روی میز مدیر باشگاه‌ها نمی‌گذارد، آن هم باشگاه‌های دولتی که ریخت و پاش‌هایشان در قراردادهایی چند میلیاردی که با بازیکنان چند میلیونی امضا می‌کنند بیت‌المال و بودجه عمومی کشور پرداخت می‌شود.

■ **بمب ۱۵۰ میلیونی!**

در روزهایی که صحبت از قراردادهای چند میلیاردی در لیگ ایران است و خیلی‌هایشان قرارداد زیر یک میلیارد را کسر شأن خودشان می‌دانند، شاید بهتر باشد به گذشته برگردیم؛ به سال‌های پایانی دهه ۷۰، به ۲۰ سال پیش، به سال ۷۹ روزهایی که قراردادها چند ده میلیونی بود و کمتر فوتبالیستی هم به ذهنش خطور می‌کرد که قرارداد بالای ۱۰۰ میلیون امضا کند. آن روزها اما مهدی هاشمی‌نسب که این روزها روی نیمکت فولاد به‌عنوان دستیار جواد نکونام در سطح اول لیگ برتر حضور دارد، یکی از اولین فوتبالیست‌هایی بود که با قراردادی که آن زمان غیرمتعارف و کلان بود، از پرسپولیس به استقلال آمد. در حالی که آن روزها بهترین بازیکن پرسپولیس ۷۰ میلیون قرارداد داشت گفته شد هاشمی‌نسب با یک قرارداد ۱۵۰ میلیونی از تیم قرمز به تیم آبی پایتخت آمده است، هر چند علی فتح‌الله‌زاده با رد این مبلغ مدعی شد که با ۱۰۰ میلیون مدافع یاغی قرمزها را به جمع آبی‌ها آورده است.

البته قرارداد هاشمی‌نسب آن روزها تنها یک استثنا بود و پرداخت مبلغ دو برابری نسبت به پولی که در آن سال‌ها به بهترین بازیکن فوتبال در کشورمان داده می‌شد، خروجی رقابت علی فتح‌الله‌زاده و امیرعابدینی مدیران آن روزهایی استقلال و پرسپولیس بود. این مدیران با توجه به اینکه هزینه سرخابی‌ها از بودجه دولت تأمین می‌شد، به اصطلاح خودشان برای ترکاندن بمب ابایی از این نداشتند که به یک بازیکن دو برابر مبلغی که آن فصل پول می‌گرفت، پیشنهاد بدهند!

■ **کل کل‌هایی که قراردادها را میلیاردی کرد**

فوتبال از چنین کل کل‌های مدیریتی بین باشگاه‌های دولتی در دو دهه اخیر ضربات زیادی خورده است، اگر در اواخر دهه ۷۰ فتح‌الله‌زاده و عابدینی به دنبال ترکاندن بمب بودند، ۱۱ سال بعد با آمدن محمدرویانیان به پرسپولیس و بازگشت دوباره فتح‌الله‌زاده به استقلال، شاهد بودیم که رقابت این دو مدیر برای جذب بازیکنان آن هم با دست بازی که برای دست‌اندازی به بیت‌المال داشتند، سبب شد تا در کمتر از ۱۰ سال، قرارداد فوتبالیست‌ها ۱۰ برابر شود.

تا قبل از سال ۹۰ و پیش از آمدن محمد رویانیان از ستاد سوخت به باشگاه پرسپولیس، صحبتی از قراردادهای میلیاردی در فوتبال نبود. با حضور رئیس سابق ستاد سوخت در فوتبال، رقابت او با فتح‌الله‌زاده در استقلال بالا گرفت تا جایی که برای اولین‌بار در زمان حضور رویانیان در پرسپولیس بود که قراردادهای میلیاردی در فوتبال کشورمان باب شد و فتح‌الله‌زاده همتای او در استقلال هم در بستن قرارداد میلیاردی از همتایش در باشگاه پرسپولیس عقب نماند. رقابت این دو مدیرعامل و افزایش بی‌ضابطه قراردادها باعث شد تا این دو مدیر چند سال بعد به دادسرا فراخوانده شوند. البته در این بین باشگاه‌های دولتی دیگر مانند سپاهان هم قراردادهایشان دست کمی از سرخابی‌های پایتخت نداشت و در برخی موارد بیشتر هم بود، اما با توجه به اینکه روی این باشگاه حساسیت کمتری بود، اصفهانی‌ها با استفاده از بودجه دولتی به ریخت و پاش از بیت‌المال می‌پرداختند

■ **سقف قرارداد کف قرارداد شد**

هر چند رقابت غیرسالم باشگاه‌های صنعتی و سرخابی‌ها در دو دهه اخیر نقش زیادی در افزایش قراردادها داشته است، اما از نقش برخی قوانین خلق‌الساعه و غیرکارشناسی شده در به وجود آمدن چنین شرایطی هم نمی‌توان گذشت. قانون سقف قرارداد یکی از این قوانین بود که با بالا رفتن بی‌رویه رقم‌های قراردادها در لیگ برتر، اواخر دهه ۸۰، سازمان لیگ فوتبال برای مهار و کنترل قیمت فوتبالیست‌ها، این قانون را وضع کرد. طبق این قانون سقف قرارداد ۳۵۰ میلیون تومان تعیین شد و امضای قراردادی بیش از این مبلغ تخلف محسوب می‌شد. همانطور که پیش‌بینی می‌شد این قانون در همان ابتدای راه شکست خورد و نه‌تنها قیمت بازیکنان را کنترل نکرد، بلکه سبب افزایش آن و رواج زیرمیزی‌ها و درج رقم‌های غیرنادرست و کمتر از مبلغ واقعی در برگه قراردادها شد. به‌عنوان مثال سیدمهدی رحمتی سال ۸۹ قراردادی ۷۷۷ میلیون تومانی (غیررسمی و ۴۴۴ میلیون تومان رسمی) با سپاهان منعقد کرد و چنین بازیکنانی کم نبودند.

این قانون که در اولین دوره حضور علی کفاشیان در فدراسیون فوتبال وضع شد، خیلی زود لغو شد کفاشیان در تازه‌ترین اظهارنظرش اعتراف تلخی در این رابطه داشته است: «اصلاً سقف قرارداد فایده‌ای نداشت. ما حواسمان روی میز بود، ولی نگو دوستان زیر میز با هم پول رد و بدل می‌کردند.» فریبرز محمودزاده، رئیس کمیته نقل و انتقالات سازمان لیگ هم درباره این قانون معتقد است: «سقف قرارداد تبدیل به کف قرارداد شد و ما به ازای درخواست بازیکنان از باشگاه‌ها با امتیازات ویژه و خاص به آنها پرداخت می‌شود.»

■ **۱۵۰ میلیون ۷۹ رسید به ۱۵ میلیارد ۹۹**

حالا در سال ۹۹ و ۲۰ سال بعد از روزهایی که مهدی هاشمی‌نسب با قراردادی ۱۵۰ میلیونی از پرسپولیس به استقلال رفت، در فصل جدید نقل و انتقالات برای لیگ بیستم، قرارداد فوتبالیست‌ها صد برابر شده است و بازیکنان اسم و رسم‌دار، کمتر از ۱۵ میلیارد پیشنهاد نمی‌دهند و حتی یک فوتبالیست معمولی و سکونشین هم کمتر از میلیارد پیشنهاد روی میز مدیر باشگاه نگذاشته است.

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد راه‌حل مهار این گرانی افسارگسیخته فوتبالیست‌ها که منابع پرداخت قراردادشان از بیت‌المال تأمین می‌شود، نسخه محمد دادکان، رئیس سابق فدراسیون فوتبال است. او سال‌ها پیش در مصاحبه‌ای پیشنهادی دراین‌باره مطرح کرده بود که به نظر می‌رسد راه اجرایی شدن آن حذف مدیران دلال و روی کار آمدن مدیران سالم و پاکدست برای حفاظت از بیت‌المال است.

دادکان گفته بود: «بهترین فوتبالیست ایران ۱۰۰ میلیون تومان هم نمی‌ارزد و با در نظر گرفتن تورم در نهایت باید مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان را برای بهترین فوتبالیست در نظر بگیریم. بهترین مربی نیز به نظرم نباید ۵۰ میلیون تومان بیشتر دریافت کند. مطمئن باشید اگر روزی به فوتبال بازگردم یک سال آن را تعطیل می‌کنم. من پیش از انقلاب از پرسپولیس اخراج شدم و بعد از انقلاب نیز از فدراسیون فوتبال اخراجم کردند. من روی حرفم پافشاری می‌کنم و می‌گویم از این رقم بالاتر نباید به بازیکنان داد. شما مدیران را جمع می‌کنید و به آنها می‌گویید قراردادها بالای ۱۰۰ میلیون تومان نباشد. اگر تمام مدیران با شما وفای به عهد کنند و دنبال بازیکن بالای ۱۰۰ میلیون نروند، دیگر نیازی به تعطیلی فوتبال نیست. حالا بازیکن می‌آید و می‌گوید من بیشتر می‌خواهم. برود خارج از کشور و آنجا بگیرد. چه ایرادی دارد؟»

یادداشت

فوتبال بی‌دروپیکر

■ دنیا حیدری

۳ یک روز قانونی حساب نشده، روز دیگر خودنمایی مدیری بی‌کفایت و یک روز هم دستپاچگی یا تظاهر برای کنترل بازار! هرساله فوتبال ایران شاهد رشد غیرمنطقی و غیراصولی رقم قرارداد بازیکنان و مربیان است. بازیکنان و مربیانی که به واسطه عدم مرجع ارزشگذاری و قیمتگذاری هرساله اعداد و ارقامی نجومی را به ثبت می‌رسانند و هر اندازه که در توان دلال‌هایشان باشد، بیت‌المال را می‌چابند.

صدالبته سالانه صدها میلیون یورو و هزاران دلار صرف خرید بازیکن در فوتبال جهان می‌شود. ارقامی که شاید گاهی بی‌منطق و برای پیشی گرفتن از رقبا بالا و پایین شود، اما براساس معیارهایی منطقی چون سن، درآمد تجاری و میزان تقاضا برای و پست بازیکن در نظر گرفته می‌شود، ولی هیچ رقمی بی‌حساب کتاب پرداخت نمی‌شود؛ حتی اگر نجومی و هنگفت باشد. برای نمونه ممکن است بازیکنی که با قیمتی درشت و سرسام‌آور به تیمی می‌پیوندد، خیلی بیش از آنچه برای او هزینه شده، برای باشگاهش سود و منفعت داشته باشد، اما آیا فوتبال ایران که بعد از گذشت سال‌ها هیچ مرجع ارزشگذاری و قیمتگذاری ندارد، پتانسیل آن را دارد تا به اندازه یا حتی بیش از پولی که برای بازیکنی صرف می‌کند، سود ببرد؟!

دانستن پاسخ این سؤال اصلاً سخت نیست و یک حساب سرانگشتی و نگاهی گذرا به عملکرد بازیکنان فوتبال ایران به خوبی نشان می‌دهد که ارقام رد و بدل شده در فوتبال ایران که هر ساله با بهانه‌های واهی به شکلی سرسام‌آور بالا می‌رود، نه اساس، قانون و قاعده‌ای دارد و نه حساب شده و سودآور است. در واقع یک بهانه به مانند خودنمایی مدیری بی‌کفایت که به جای مدیریت در فکر شهرت است یا دلالی، یا وضع قانونی که بی‌هیچ بررسی کارشناسانه‌ای وضع می‌شود، می‌تواند دلیل کافی برای رشد صعودی و غیرمنطقی رقم قرارداد بازیکنان و مربیان فوتبال در ایران باشد؛ همان اتفاقی که چند سال قبل با وضع قانون منع به کارگیری گلرهای خارجی در خصوص دروازه‌بانان رخ داد و امروز به واسطه تصویب قانون منع به کارگیری بازیکن و مربی خارجی یک‌بار دیگر معضلات بسیاری را پدید آورده است.

میلیارد همچنان از جمله واحدهای پولی رؤیایی است که با وجود اوضاع نابسامان اقتصادی همچنان برای بسیاری از اقشار جامعه رقمی دست‌نیافتنی است، اما امروزه به واسطه بی‌کفایتی‌ها و نداشتن دانش مدیریت و تصمیمات نادرست به شکلی غیرقابل باور فوتبال ایران را به احاطه خود درآورده است! این‌بار هم یک قانون من‌درآوردی و غیرحرفه‌ای دلیل اصلی این جهش چالش‌برانگیز بود که باعث شد تا شاهد پیشنهادات غیرمنطقی و غیراصولی چون هفت، هشت، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۴ و حتی ۵۰ میلیارد تومانی برای یک یا دو فصل باشیم. ارقامی که ذهن بسیاری از افراد جامعه را آچمز می‌کند، اما این روزها ورد زبان بسیاری از بازیکنان و مربیان شده و بهانه‌ای برای قدرت‌نمایی مدیران نالایقی که به جای ایستادگی برابر آن با دست‌درازی در جیب مردم و زدن چوب حراج به بیت‌المال زمینه‌ساز این آشفته بازار شده‌اند. بی‌آنکه هیچ نگرانی بابت پاسخگویی به نهادهای ذیربط و بالادستی داشته باشند.

دور از ذهن نبود. فوتبال ایران تجربه چنین ندانم‌کاری‌هایی را کم پس نداده، اما این‌بار بلبشوی بازار ارزشی شرایط را به مراتب نسبت به قبل سخت‌تر هم کرده است، ولی واقعیت این است که بهانه‌ها هر ساله برای دور زدن اصول کار و برخلاف تمام دنیا که اعداد و ارقام به شکلی حساب شده و براساس توانمندی‌ها و شرایط بازیکنان و همچنین سن و پست آنها بالا و پایین می‌شود، به‌روزرسانی می‌شوند. در ایران ندانم‌کاری مدیران بی‌کفایت و تصمیم‌گیری‌های تأسف‌بار است که اعداد و ارقام بازیکنان را بالا و پایین می‌کند که در این بین رندی دلال‌ها، چه در قالب ایجنت‌های رسمی و غیررسمی و چه در قالب مدیر برای مطرح کردن و ثبت ارقامی که این روزها به معنای واقعی کلمه سر به فلک زده، تعیین‌کننده است! حال آنکه یک مرجع ارزشگذاری و قیمتگذاری می‌تواند با بررسی تمام جوانب قیمت‌هایی منطقی و اصولی را مطرح کند. همان اتفاقی که سال‌هاست در فوتبال دنیا رخ می‌دهد و فوتبال ایران همواره به دلایلی خاص از پذیرفتن آن سرباز می‌زند. شاید چون در آن صورت جلوی رشد غیرمنطقی برخی گرفته می‌شود تا شاهد فوتبالی عادلانه باشیم، نه فوتبالی که سرتا پای آن مملو از بی‌عدالتی و دلالی است.

هر چند که امروز دیگر برداشتن برخی قانون‌ها هم نمی‌تواند گره از جایی باز کند، وقتی کار از کار گذشته است. در واقع آب رفته را نمی‌توان به جوی بازگرداند، اما حتی امروز هم می‌توان با تغییر نگاه و اندکی منطقی نگاه کردن به این داستان گامی در راستای موفقیت باشگاه‌های فوتبال ایران برداشت. البته به شرط آنکه باز هم کمافی سابق بعد از افتادن آب از آسیاب یادمان نیفتد به دنبال یافتن راهی باشیم که قبای بعد از عید به درد گل منار می‌خورد و فوتبال ایران امروز نیازمند یک بازنگری اساسی است تا از شر اعداد و ارقامی نجومی و غیرمنطقی که تیشه به ریشه این فوتبال می‌زند رها شود.